

**Predigt am Sonntag „Misericordias Domini“, 26. April 2020,  
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)  
Pfr. Gerhard Triebe**

**1. Petrus 2,21b-25:**

اول پترس فصل دوم آبان ۲۱ الی ۲۵

۲۱ زیرا که برای همین خوانده شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه‌ای گذاشت، تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید،

۲۲ که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد.

۲۳ چون او را دشنام می‌دادند، دشنام پس نمی‌داد؛ و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد.

۲۴ که خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد، تا از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم، که به ضربهای او شفا یافته‌اید.

۲۵ از آترو که مانند گوسفندان گمشده بودید، لکن الحال به سوی شبان و اسقف جانهای خود برگشته‌اید.

اعضای گرامی، این روزها صبر و طاقت می‌بایست داشته باشیم. ما پذیرفته ایم که حقوق مدنی اساسی هفته‌ها محدود شده است. همیشه گفته می‌شد که همه چیز باید بعد از حفظ سلامت زندگی باشد. اگر کسی نظرسنجی‌ها را قبول داشته باشد، این نظر بیش از ۹۰٪ آلمانی‌ها نیز می‌باشد. اما هر چه این مرحله بیشتر ادامه داشته باشد، همه خیلی بی‌تاب‌تر و بی‌طاقت‌تر می‌شوند. در عین حال، ما بیشتر و واضح‌تر احساس می‌کنیم که این موضوع مربوط به یک تغییر موقتی و کوتاه مدت در رفتار ما نیست. ما باید در بسیاری از زمینه‌ها به‌طور بنیادی مواجه شویم. اولین چیز، عطسه، سرفه و بهداشت دست است. سپس ما قوانین فاصله را یاد گرفتیم که اکنون به‌طور فزاینده به نوعی "قانون ترافیک" برای عابران پیاده محسوب می‌شود - هنگام خرید در سوپر مارکت‌ها، مدارس و به‌زودی در کلیساها. اکنون اغلب "مقررات یک طرفه خیابان" و "محدودیت‌های چرخش" وجود دارد. ما هنگام ملاقات با همسایگان خود، اشکال جدیدی از احوالپرسی را یاد گرفته ایم و یاد می‌گیریم که با وجود ممنوعیت برخورد، می‌توان از امکانات فنی برای ارتباط با یکدیگر استفاده کرد.

به خاطر سلامتی و حفظ زندگی، چیزهای زیادی را کنار می‌گذاریم که به آنها علاقه مند بوده ایم. که تاکنون تقریباً کاملاً مشهود بوده است (که در مقایسه جهانی، غالباً قبلاً چنین چیزهایی وجود نداشته است). ما صبر می‌کنیم و چیزهای جدیدی یاد می‌گیریم، حتی اگر راه حل این مشکل را پیدا کنیم. "اول من می‌آیم" - این نه تنها دوباره و دوباره بین ملت‌ها به حد اکثر می‌رسد. این اغلب روابط ما با یکدیگر در زندگی روزمره شکل می‌گیرد. در این باره می‌گوید: "آیا شخص دیگر باید کنار رود یا اتاق را ترک کند. از نظر من برای پرسنل بیمارستان چه اهمیتی دارد که آنها فقط می‌توانند در اوایل عصر به خرید بروند و بعد از آن در مقابل قفسه‌های خالی بایستند؟" من اخیراً این

نکته را کشف کردم که چگونه کسی در تلویزیون های عمومی خود را به عنوان یک طنز پرداز می بیند و با تمجید از عدالت که ویروس و گستردگی آن سخن می گوید. که چگونه نسل ۶۵ ساله در حال منقرض شدن است ،

پیر در برابر جوان ، قوی علیه ضعیف ، سالم در برابر بیمار ، ثروتمند در برابر فقرا - اینگونه نیست که زندگی برای هر دو طرف امکان پذیر باشد. "اول من می آیم" حداکثر آن که منجر به سقوط می شود.

سپس چشم پوشی کاملاً متفاوت و تغییر کاملاً متفاوت ضروری است. پترس رسول در اینجا درباره این موضوع صحبت می کند: "مسیح برای شما رنج برد و برای شما نمونه ای گذاشت که باید قدم های او را دنبال کنید. کسی که گناهی نکرده و هیچ فریبی در دهانش پیدا نشد. که وقتی به او توهین شد ، با توهین مخالفت نکرد ، و هنگام تحمل رنج کسی را تهدید نکرد ، بلکه آن را به کسی که عادلانه داور می کند واگذار کرد . عیسی مسیح برای از دفاع از خود ، از استفاده از قدرت و امکانات خود برای خویش خودداری کرد. و آن اینکه او هرگز خود را "اول" نمی دانست. در عوض ، او بی عدالتی را بدون تضاد تحمل می کند و رنج می برد - برای ما.

رسول این را به عنوان الگویی به ما نشان می دهد. صبر و تحمل هنگام سلامتی و حفظ زندگی ممکن است هنوز مسئله ای باشد. اما آیا باید بی عدالتی را بدون تناقض بپذیریم؟ آیا نباید در برابر بیماری مبارزه کنیم؟ آیا باید به سکوت تسلیم رنج باشیم؟ آیا مسیح می خواهد که ما افراد خوب را بد کنیم؟ که ما رنج را در درون خود نگه داریم؟ اما آیا مسیح مقاومت آشکار را ممنوع می کند؟

فکر می کنم باید نگاه دقیق تری داشته باشیم. همه ما می خواهیم زندگی مان موفقیت آمیز باشد ، در جهان آرام باشیم ، تا بر نفرت و خشونت ، رنج و بی عدالتی غلبه کنیم. تنها سوال این است که چگونه این اتفاق می افتد. و وقتی به استراتژی های قبلی خود می پردازیم ، می فهمیم که آنها به خصوص موفق نبودند. بنابراین شاید ما مایل باشیم که با یک فرآیند یادگیری - البته آسان - روبرو نشویم.

نه تنها کودکان نو پا ، بلکه بزرگسالان نیز با داشتن یک الگوی نقش خوب بهترین یادگیری را می آموزند. اتفاقات ناخودآگاه و به طور خودکار رخ می دهد. گاهی اوقات میهمانانی شبیه به هم همراه با خنده هایی مشابه را در مجالس پیدا می کنم که والدین پیر آنها را مدتی است می شناسم ، مثل پدر یا مادر. شاگرد استاد خود را مشاهده می کند و سعی می کند همانطور که انجام داده است قطعه کار را بدست آورد. اگر از من سؤال می شد که چه کسی مرا در تمرینات و حرفه ام شکل داده است ، می توانم تا به امروز چند اسمی را که هنوز برای من الگو هستند معرفی کنم.

مسیح همچنین "برای ما مثال زد". آنچه از او می توانیم یاد بگیریم ، زندگی کردن طبق خواست خداست. زیرا فقط یک نفر واقعاً می تواند این را به ما نشان دهد: کسی که "گناه نکرده است" ، تنها کسی است که هدف زندگی خود و تصویر خدا را از دست نداده است ، چیزی که خدا در زمان خلقت به مردم خود داد. اما او چه چیزی را برای ما ترسیم می کند؟ او کجا می رود؟ این گروه Sunnyboy آنقدر هاهم باهوش نیستند که تمام قلب ها را با جذابیت خود تسخیر کرده اند. تبعیت از آنها منجر به موقعیت قدرت کارفرمایان تجاری ، سیاستمداران یا دانشمندان نمی شود. قدم هایی که عیسی بر ای ما برداشته است ، به رشادت ها منجر می شود ، به عبارت دقیق تر: تحمل بی عدالتی. این یک محبت فوق العاده است ، به خصوص وقتی که فکر می کنید در این زمینه ابتدا به بردگان پرداخته می شود. بنابراین دوباره این سؤال: آیا باید بی عدالتی را بدون تناقض بپذیرفت؟ آیا باید همه

رنج ها را بدون شکایت تحمل کنیم؟ آیا اگر مورد آزار و اذیت و آزار و اذیت قرار گیریم ، باید بی دفاع باشیم ؟

راه ترسیم شده توسط مسیح کاملاً شبیه این نیست. هنگامی که وی در هنگام بازجویی در مقابل کاهن اعظم مورد ضرب و شتم قرار گرفت و چون این را گفت، یکی از خادمان که در آنجا ایستاده بود، طپانچه بر عیسی زده، گفت، آیا به رئیس گهنه چنین جواب می‌دهی؟ عیسی بدو جواب داد، اگر بد گفتم، به بدی شهادت ده؛ و اگر خوب، برای چه مرا می‌زنی؟ «. بنابراین او نیز بی عدالتی را بدون دفاع نپذیرفت! اما بعداً ، پس از آن ساکت شد. سپس ساکت شد و از دفاع از خود بازماند شد. بنابراین هر دو وجود دارد: چگونه او از خود دفاع می کند ، و پس از آن: چگونه می توان بدون عصیان ، او را مسخره کرد ، کتک زد و اعدام کرد. هر دو مورد را در مورد وی می بینیم . از این رو می توانیم ببینیم که اگر او می خواست ، می توانست از خود در برابر بی عدالتی دفاع کند. اما پس از آن او این کار را به دلیل تصمیم خودش انجام نداد زیرا می خواست به این روش رنج ببرد. به طوری که باید آن را ناخودآگاه عبور می داد ، او فقط به سکوت تسلیم سرنوشت ظاهراً اجتناب ناپذیر نشد ، بلکه عمداً و داوطلبانه آن را به سمت خود جلب کرد. او آن را می خواست از این طریق. سرانجام ، او برای فرزندانش دعا کرد: "پدر ، آنها را ببخش ، زیرا آنها نمی دانند چه می کنند!" او اجازه داد که نفرت و کینه از او دور شود . او با نیکی بر بدی و شر غلبه کرد. این همان خط مشی است که مسیح ما را ترسیم کرده است.

در واقع ، این یادگیری آسان نیست. و می فهمم وقتی کسی شانه هایش زیر فشار رنج خرد می شود و می گوید: "من نمی توانم این کار را بکنم!" من هم وقتی کسی می گوید: "من حتی فکر نمی کنم بتوانم در این مسیر حرکت کنم . همانطور که در خطبه بالای تپه هنگامی که او می گوید ، "مثل من باشی پس "من" بر "تو" غلبه دارد. چیزی تحت عنوان "چشم در برابر چشم ، دندان در برابر دندان" ، باعث شده که تمام قبایل گذشته یکدیگر را از بین ببرند . در قرن گذشته ، کلمه جهنمی "قصاص" تاریخ را به شکلی وحشتناک تر ساخته است. چه میزان خونریزی بی معنا و بیخود - تقریباً همیشه تحت شعار احساساتی: "درست باید درست بماند!" اما آنچه عیسی مسیح انجام می دهد به معنای تسخیر تمام بی عدالتی های این جهان ، مهمتر است یا ظلم هایی که مردم را ویران می کند؟

در هر صورت ، خط مشی ترسیم شده او به گونه ای به نظر می رسد که "وقتی به او توهین شد ، توهین را جواب نداد ، هنگام تحمل تهدیدی نکرد ، بلکه تهدید را تحمل کرد ، بلکه آن را به کسی واگذار کرد که عادلانه دآوری کند". که او را جمعه خوب به ارمغان آورد. این می تواند به عشقی منتهی شود که بسیار مهربان است ، همه چیز را باور دارد ، به همه چیز امیدوار است و همه چیز را تحمل می کند . با آخرین فداکاری ، مسیح برای این دنیا و برای همه برادران و خواهرانش ایستادگی می کند. او تسلیم نمی شود. . او وقتی مورد تمسخر ، توهین ، شکنجه و اعدام قرار می گیرد ، گناه دنیا را احساس می کند. اما او را نمی توان به محدودیتهای ارتجاعی کشید. مردم می توانند آنچه را که می خواهند با او انجام دهند: او به خاطر گناه خود بمیرد.

این قدرت و شجاعت را می طلبد. این همه شجاعت نیاز به یک عشق زیاد دارد. رسول نمی خواهد یک تقاضای غیرقابل تحقق را بر گردن ما بگذارد. وقتی می نویسد: "او خود گناهان ما را بر روی بدن خود بر چوب گذاشت تا ما که از گناه درگذشتیم ، عدالت را زنده کنیم" ، سپس می خواهد نتیجه گیری خود را با راه عیسی و ما یادآوری کند. شجاعت در روز جمعه خوب ، گویا انسان بر گناهان و شرارت به پیروزی رسیده و گویی به خدا م مهرش نزدیک تر شده است. در حقیقت ، گناهان ما

بر روی صلیب مردند. و در عید پاک آشکارا روشن شده است که خداوند در مسیر عشق و فداکاری خود شکست نخورده است بلکه نجات و زندگی را برای همه از این طریق ایجاد کرده است.

این بدان معنی است که ما دیگر محکوم به شعار "اول من می آیم!" نیستیم. ما می توانیم به عنوان مثال در جهت مشارکت و دادن، ارائه کمک و پشتیبانی، هدیه دادن و اشتراک گذاری، مجدداً همه را مورد توجه قرار دهیم. و ما نه تنها می توانیم برای مدت زمان بحران و به خاطر سلامتی و حفظ زندگی بلکه این کار را برای زمان "بعد از کرونا" و به خاطر زندگی انجام دهیم که در واقع سزاوار این اسم است زیرا دیگر تحت نشانه گناه و ناپایداری نیست.

به این ترتیب ما در ردپای او قربانیان ناخودآگاه نمی شویم که بی صدا تسلیم رنج می شوند. در عوض، ما نیروهای مقاومت را در پشت او بدست خواهیم آورد - نه تنها به چشم پوشی و شکیبایی، بلکه برای تحمل و صبر کردن و کار کردن برای دیگران.

ما تضمین نمی کنیم که همیشه موفقیت را تجربه خواهیم کرد. در هر صورت، از قبل مسلم است که "اولین آمدن من" منجر به عذاب خواهد شد. با این وجود، از زمان عید پاک، امید معقولی داشته ایم که ردپای عیسی ما را به سمت ویرانی سوق ندهد، بلکه به زندگی منتهی می شود. آمین